

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه ببورند. ما و شماها لاقبل در این صد سال اخیر، که به تدریج پای قدرت‌های بزرگ جهان‌خوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده‌است، مشاهده کردیم که تاریخ‌های صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ‌یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملت‌های خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستم‌گری و استنطاق ملت خود پرداخته و هرچه کرده‌اند، برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالاشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کیرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت‌لایموت محروم بوده و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند؛ و با آن که دست‌نشدگان قدرت‌های بزرگ بوده‌اند که برای وابسته‌کردن کشورها و ملت‌ها هرچه نتوان داشته‌اند به کار گرفته و با جبهه‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملت‌ها را عقب‌مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند (صحیفه امام، جلد ۲۱، صص ۲۴۷ و ۲۴۸)

در این شماره می‌خوانید

- ۲ همسر شهید زین‌الدین **الگوی آقا مهدی شهید آیت الله مدنی بود**
- ۲ داستان یکی از فاتحان سوسنگرد **تحقیق یک فرمان**
- ۳ مقاومت غرورانگیز **شهید علی تجلی سستون خیمه مقاومت سوسنگرد بود**
- ۳ روایتی درباره شهید جمول در سوسنگرد **عرفان در کتاب‌ها را به میدان رزم آورد**

نشست کمیته ملی تعیین مصدق شهدای مدافع سلامت؛ تسریع در تعیین وضعیت پرونده شهدای سلامت

نشست کمیته ملی تعیین مصدق شهدای مدافع سلامت؛ تسریع در تعیین وضعیت پرونده شهدای سلامت



سومین نشست کمیته ملی تعیین مصدق شهدای مدافع سلامت با حضور معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نماینده رئیس سازمان اداری و استخدامی و نماینده سازمان برنامه و بودجه در محل ساختمان مرکزی بنیاد شهید و امور ایثارگران تشکیل و پرونده ۲۰ شهید مدافع سلامت، بررسی شد و به تأیید رسید. مهندس سعید اوحدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در این نشست ضمن تأکید بر لزوم تسریع روند تشکیل و تکمیل پرونده شهدای سلامت، همکاری و همدلی بنیاد شهید و امور ایثارگران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور استخدامی به‌عنوان اعضای کمیته ملی تعیین مصدق شهدای مدافع سلامت را در تسریع بررسی این پرونده‌ها، مؤثر و لازم خواند.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامه به دیدار خود با خانواده شهید مدافع سلامت، دکتر محمد زارع جوشقانی، برادر دو شهید و رئیس اسبق دانشگاه علوم پزشکی و بیمارستان شهید بهشتی کاشان و رئیس بیمارستان لایفی‌نژاد تهران، اشاره کرد و گفت: از این شهید بزرگوار، چند فرزند پزشک و متخصص به یادگار مانده‌است که انصافاً هم مانند پدر بزرگوارشان، سرمایه علمی و هم یک خانواده فرهنگی و فهیم هستند.

وی دیدار و گفت‌وگو با خانواده‌های شهدای مدافع سلامت را مهم و مفید خواند و افزود: دیدار با خانواده این عزیزان می‌تواند موجب تجدیدن و تقویت روحیه بازماندگان باشد و هم برای مسئولان، پیام‌های خوب و اثرگذار دارد که در این دیدارها از بازماندگان می‌آموزیم. اوحدی در ادامه ضمن اعلام آمادگی بنیاد شهید و امور ایثارگران برای تسریع در به نتیجه رسیدن وضعیت شهدای سلامت، گفت: با تدبیری که مقام معظم رهبری فرمودند و تعیین مصدق شهدای سلامت را به ستاد ملی مبارزه با کرونا محول کردند و بنیاد دستورالعملی که در نشست قبل تصویب شد، مسیر هم‌اکنون در دست است.

دکتر سعید نمکی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز در این نشست، تکریم شهدا را تکریم ساختارهای قدرتمند نظام اسلامی خواند و گفت: در مقابل بی‌حرمتی به شهدا، لژان کردن پایه‌های حکومتی است که مبتنی بر خون این شهدا ایستاده‌است. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان این که شهید در ایستگاهی از معنویت و نزدیکی به خداوند می‌ایستد که نیازمند هیچ تکریمی نیست، اضافه کرد: هیچ شهیدی نیازمند تکریم و بزرگداشت توسط هیچ بنده خاکی نیست، زیرا او بر سفره‌ای می‌نشیند که جایگاه اولیاءالله است. شهدا در اوج رستگاری هستند و این ما هستیم که به آن‌ها نیازمندیم.

دکتر نمکی با تأکید بر جایگاه معنوی شهید و درجه بالای مقام شهادت، عنوان کرد: مقام و عنوان شهید، درجه‌ای است که در یک نظام اعتقادی نمی‌توان به هر کسی داد و تلاش بنده برای اعطای نام شهید به همکارانم در راه مبارزه با کرونا، دریافت همین مقام معنوی است. خود من در سفرهای استانی، اول سراغ گلزار شهدا و عرض ارادت به این عزیزان می‌روم. تلاش هر روزه ما در هر جایگاهی هم این است که خون این عزیزان پیمال نشود؛ هرچند به اندازه قطره‌ای از مجاهدت این عزیزان نیست.



هفت سنت الهی درباره استکبار ستیزی و مصاف جبهه حق و باطل در بیانات رهبر انقلاب بهره‌گیری از قدرت مادی و معنوی شرط پیروزی است

شده؛ در نهایت، باطل سرنگون خواهد شد؛ اما چه کسی گفته است که در انشای راه، باطل فرصت پیدا نخواهد کرد که حق را مورد ضربات خود قرار دهد و حتی آن را از میدان خارج کند؟... اگر مجاهدت نشود، اگر بیکار بنشینیم، اگر هوشیاری به خرج ندهیم، اگر در سنگر بجواییم، آیا باز هم دشمن نمی‌آید سنگر ما را فتح کند؟ چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ ما باید تلاش کنیم، تا دشمن ناکام بشود. اگر ما تلاش نکرده‌ایم، دشمن کامیاب خواهد.

بطل نمی‌تواند جلو نفوذ کلام حق را بگیرد

«خدای متعال وسایل و ابزارهایی در اختیار جبهه حق قرار داده است که باطل، هر کاری هم نکند، نمی‌تواند جلو نفوذ حق را بگیرد. ما یک رادیو داریم، آنها ده‌ها رادیو دارند. ما ابزارهایمان ابزارهای فوق‌مردن امروزی برای پخش صدا نیست، آنها ابزارهایشان بسیار قوی و رساست. آنها سرمایه‌های زیادی را فقط برای دروغ و لجن‌پراکنی، کنار می‌گذارند. همه اینها هست؛ اما در عین حال... خدای متعال

بهره‌گیری از قدرت مادی و معنوی شرط پیروزی است

شک نیست که در مصاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است، مشروط بر آنکه جبهه حق از نیروی مادی و معنوی خویش به‌گونه‌ای درست بهره بگیرد و با خردمندی و تلاش شایسته و با استقامت و امید و با توکل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و بیمایید. در این صورت امداد و نصرت الهی، حق مسلمی است که وعده قرآنی برای او مقرر فرموده است: «ان کسجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء» (ابراهیم/ ۲۴) ریشه در زمین است، اما شاخ و برگ‌ها، تمام فضا را

پاک کرده است... و این، کار خداست که در دورترین نقاط، حرف‌ها را می‌گیرند، می‌روند؛ مرتب به وجود می‌آیند و از بین می‌روند. طبیعت باطل، زایل شدن و از بین رفتن است. گمان نشود که اگر باطل از بین رفت، ممکن است اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت، بدون تعریف و تبیین، بدون زحمت کشیدن من و شما، در دنیا جایگزین باطل‌ها بشود؛ نه، بسته به این است که من و شما چه کار کنیم.»

زمان انهدام باطل به عمل ما بستگی دارد

«البته اینها نابودشدنی هستند. ظواهر را که نگاه کنید، این ظواهر نباید کسی را گول بزند؛ اینها رفتنی هستند، اینها ساقط شدنی و نابودشدنی هستند. که این سخن حق را حتماً به گوش‌ها برساند، ناگهان حصارها، دیوارها و مشت‌های آهنین از سوی دشمنان و مخالفین به وجود می‌آیند و در مقابلش صف می‌بستند و جبهه‌بندی می‌کردند. البته شکست می‌خورند. باطل - در مقابل حق- شکست می‌خورد؛ در این تردیدی نیست. اگر حق ایستادگی کند، شکی نیست که باطل شکست خواهد خورد؛ اما مقصود این است که بدون مبارزه و تلاش و بدون پشتوانه قدرت، نمی‌شود افکار و آرمان‌ها و آرزوهای دینی را - بلکه هیچ آرمان و آرزویی را - تحقق بخشید.»

اگر جبهه حق، قوی نباشد، باطل دیگری جای باطل قبلی را خواهد گرفت

«بنای حق باید مرتفع باشد. گمان نکنید که اگر باطل به خاطر زوال‌پذیری از بین رفت، حق به خودی خود و بدون تلاش، در دنیا غلب خواهد شد - ابتدا - باطل دیگری سر جایش می‌آید؛ مگر آن وقتی که حق، خود

این رژیم ایجاد نمی‌کند و مسوولان نظام اسلامی باید بر عوامل قدرت داخلی تکیه کنند و یکی از محورهای سخنرانی تلویزیونی خود در ۱۳ آبان روز استکبارستیزی را که با سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق (ع) مقارن شده بود، به موضوع انحطاط نظام لیبرال دموکراسی آمریکا و انهدام قریب الوقوع این شیطان بزرگ اختصاص دادند. به همین مناسبت هفت اصل قرآنی و سنت الهی درباره مصاف جبهه حق و باطل را در بیانات مقام معظم رهبری را مرور می‌کنیم.

بدون مبارزه، آرزوهای دینی محقق نمی‌شوند

«در طول تاریخ هر جا سخن حقی از زبانی خارج می‌شد، یا دلی، روحی و انسان بزرگی تصمیم می‌گرفت که این سخن حق را حتماً به گوش‌ها برساند، ناگهان حصارها، دیوارها و مشت‌های آهنین از سوی دشمنان و مخالفین به وجود می‌آیند و در مقابلش صف می‌بستند و جبهه‌بندی می‌کردند. البته شکست می‌خورند. باطل - در مقابل حق- شکست می‌خورد؛ در این تردیدی نیست. اگر حق ایستادگی کند، شکی نیست که باطل شکست خواهد خورد؛ اما مقصود این است که بدون مبارزه و تلاش و بدون پشتوانه قدرت، نمی‌شود افکار و آرمان‌ها و آرزوهای دینی را - بلکه هیچ آرمان و آرزویی را - تحقق بخشید.»

اگر جبهه حق بیکار بنشیند از باطل ضربه خواهند خورد

«چه کسی گفته که باطل هیچ وقت در دنیا قادر نخواهد بود که به حق ضربه بزند، یا موقتاً آن را از بین ببرد؟ کدام قانونی این چنین می‌تواند باشد؟ آن چیزی که در قانون الهی است، این است که در نهایت، حق پیروز خواهد

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در میان اختلاف و هیاهوی بسیار به پایان رسید. انتخاباتی که باید آن را یک اتفاق مهم در نشان دادن واقعیت‌های درونی نظام سیاسی آمریکا به حساب آورد. این انتخابات یک تابلو تمام‌نما از دموکراسی مورد ادعای سران واشنگتن بود حکومتی که تاکنون در جایگاه قضاوت درباره انتخابات کشورهای مختلف جهان قرار داشت و تاکنون به بهانه ناسالم بودن انتخابات در امور سیاسی چند کشور جهان مداخله کرده است اکنون خودش با بزرگ‌ترین چالش بر سر سلامت و مشروعیت انتخاباتش دست به گریبان است. مقام اول کشور رسماً سخن از تقلب و دستکاری در آرای عمومی می‌زند و میلیون‌ها نفر در اعتراض به نحوه شمارش آرا خیابان‌ها را ترک نمی‌کنند. مقام معظم رهبری در بیانات اخیرشان با تبیین رویدادهای اخیر آمریکا تصریح فرمودند: «رژیم آمریکا به شدت دچار انحطاط سیاسی و انحطاط مدنی و انحطاط اخلاقی است. این امپراتوری این جور دیری نخواهد پایید؛ معلوم است که وقتی کار یک سیاست، کار یک رژیم به اینجا رسید، این دیگر خیلی عمر طولانی نخواهد کرد و منهدم خواهد شد.»

تحركات سیاسی این محافل در حالی است که در پایان دوره ۴ ساله حکومت ترامپ اغلب نخبگان سیاسی آمریکا از ناکامی تحریم‌های زنجیره‌ای این رژیم علیه ایران سخن می‌گویند و نظام اسلامی به آستانه یک پیروزی تاریخی در پشت سرگذاشتن بزرگ‌ترین جنگ اقتصادی و امنیتی سران آمریکا نزدیک شده است.

با تأکید بر این شکست بزرگ طراحان سیاست موسوم به فشار حداکثری است که مقام معظم رهبری در بیاناتشان توصیه می‌فرمایند که آمد و رفت جناح‌ها در آمریکا تغییر در سیاست خصمانه

دنیایی؛ دنیایی؛ هفته کتاب و کتاب خوانی گرامی باد

دانشمند برجسته؛ پارسای بی ادعا شهید تهرانی مقدم به فکر مصاحبه نبود

۲۱آبان سال ۹۰ بود که خبر شهادت حسن تهرانی‌مقدم، تیر یک خیرها شد.او به باور بسیاری، بدون هیچ حاشیه و حرفی، اهل عمل بود و حتی اختراعات خود را به نام خود ثبت و ضبط نمی‌کرد و تمام دغدغاش، ملت ایران بود. شهید تهرانی‌مقدم در پی حادثهٔ انفجار زاغه مهمات واقع در پادگان مدرس در گذشت و آخرین سمت او، ریاست سازمان جهاد خودکفایی سپاه پاسداران بود. از این‌رو به مناسبت روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه (۲۰ آبان‌ماه) با برادر او گفت‌وگو کرده‌ایم.

محمد تهرانی‌مقدم دربارهٔ مهمترین ویژگی‌های برادر به خبرنگار حیات طیبه گفت: بهترین ویژگی این شهید بزرگوار، جمله‌ای بود که مقام‌معمظم‌هبری با شناخت از خانوادهٔ این شهید بزرگوار در پیام بعد از شهادت ایشان درباره او فرمودند که «دانشمند برجسته، پارسای بی‌ادعا، سردار عالی‌قدر» بودند. این سه عبارت، خلاصه‌ای از زندگی و ویژگی‌های این شهید است.

وی ادامه داد: درحالی‌که ما در تحریم بودیم و مشکلات اقتصادی داشتیم، او با نگاه به داخل و استفاده از پتانسیل و ظرفیت‌های داخلی، اقداماتی را انجام داد. در زمان جنگ، حتی سیم خاردار به ما نمی‌دادند چه برسد به تکنولوژی‌های تک و نگاه ایشان به ظرفیت‌های داخلی بود.

تهرانی‌مقدم با بیان این‌که «شهید، نگاه به خارج نداشت که مذاکرات آمریکا چه می‌شود و در برجام و انتخابات آمریکا چه اتفاقی می‌افتد» افزود: او با انتخاب‌های خودمان و با اتکای به خداوند متعال، کشور را به جایی رساند که امروز ششمین کشور برتر موشکی دنیا هستیم و در رشتهٔ هوا و فضا، حرف چهارم را در دنیا می‌زنیم و با همین دید، ماهوارهٔ «سور» چند ماه پیش به فضا فرستادیم و در جو بالای قرار دادیم، به‌طوری‌که سیستم‌های آمریکایی موشک و اسنایا را رصد می‌کنیم. ما به اینجا رسیدهایم و این خلاصه‌ای از توانمندی‌های این دانشمند برجسته است.

وی تأکید کرد: امروز دنیا نمی‌تواند در مورد ایران هیچ غلطی بکند، چون می‌داند که اگر بزند، می‌خورد. ما در سرتاسر دنیا، پایگاه‌های موشکی داریم. امروز می‌بینیم که در تمام مناطق، نامتی و درگیری وجود دارد، اما کشور ما به لطف خدا، امن و امان است و امنیتی پایدار دارد. استخبار جهانی با آن روحیهٔ استخباری و با طمع‌ورزی در همه‌جای دنیا، دست‌انزاری دارد و امنیت را به هم زده و منافع کشورها را غارت می‌کنند، اما نتوانسته‌اند نگاه چپ به کشور ما بیندازد.

بازخوانی پرونده یک شهید

در جه‌هایم را نمی خواهم فقط می خواهم بجنگم

شهید غفور جدی اردبیلی در سال ۱۳۲۴ در شهر اردبیل به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیل خود را در اردبیل به پایان رساند و برای ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و در دانشکده نیروی هوایی ارتش، مشغول به تحصیل شد. وی در سال ۱۳۴۶ نیز برای طی دوره مقدماتی خلبانی وارد نیروی هوایی شد. غفور از طرفیت‌های داخلی خود را به‌سرعت شروع به یادگیری فنون و زبان انگلیسی کرد. دورهٔ مقدماتی پرواز غفور در تهران دو سال به طول انجامید و در این مدت، او در فرودگاه قلعه‌مرغی پرواز با هواپیماهای تک موتور، را تجربه و سرانجام در سال ۱۳۴۸ به همراه دومین گروه دانشجویان اعزامی به آمریکا سفر کرد تا دورهٔ تکمیلی خلبانی خود را در این کشور سپری کند. او حدود دو سال و در اوایل سال ۱۳۵۰ همگان را حیرت‌زده کرد.

نیروی هوایی آمریکا نمی‌خواست خلبان ماهری مثل غفور جدی را از دست بدهد و به‌همین‌دلیل دست به کار شد و مکاتباتی با نیروی هوایی ایران انجام داد تا موافقت آن‌ها را برای جذب و بکارگیری غفور در نیروی هوایی آمریکا جلب کند، اما وقتی نمایندهٔ نیروی هوایی آمریکا با خانواده غفور، دیدار و از پدرش درخواست کرد، او در پاسخ به آمریکایی‌ها گفت: «من فرزندم را برای میهنم پرورش داده‌ام.»

غفور به درجه ستوان دومی نیز مرفخر شد و در آمریکا شاگرد اول شده‌بود که به ایران باز می‌گردد و خود را به فرماندهی پایگاه یکم شکاری تهران معرفی می‌کند. در آن زمان، جنگنده اف ۴ فقط در تهران و شیراز فعال بود. او را به شیراز منتقل کردند و پرواز با هواپیما اف ۴ در گردان ۷۲ تاکتیکی شیراز، -که مسئولیت آن برعهده سرتیپ خلبان شهید جواد فکوری بود- آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب، غفور به‌عنوان استاد خلبان در پایگاه بوشر، فرمانده بازرسی و امنیت پرواز پایگاه مشغول به خدمت بود که در سال ۱۳۵۹ دست‌های دسیسه‌گر کمر به بدنامی غفور بسته‌بودند و نام او ناخواسته در فهرست خلبانانی قرارگرفت که باید از نیروی هوایی تصفیه‌حساب کنند. غفور با دلی رنجور، شروع به تصفیه از نیروی هوایی کرد و در مراحل نهایی تصفیه، او، عراق از زمین و هوا به ایران حمله‌ور شد. او داوطلبانه به نیروی هوایی بازگشت، ولی تعدادی از خائنین او را به ترک ایران تشویق کردند و غفور در جواب آن‌ها

پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و سلم):

هرکس از ظلمی که در حق او شده گذشت کند، خداوند به‌جای آن در دنیا و آخرت به او عزت می‌بخشد

بحار الانوار، ج ۶۶ ، ص ۳۸۲

همسر شهید مهدی زین‌الدین:

الگوی آقا مهدی، شهید آیت‌الله مدنی بود

در یک طبقه ساکن شویم. یک هفته بود که وارد این ساختمان شده‌بودیم؛ آن شب با خانم باکری و خانم همت بودیم و قرار بود من غذا درست کنم. وقتی غذا درست کردم، هیچ‌کدام سر سفره نیامدند. نگو که خبر شهادت را شنیده بودند و نمی‌خواستند به من اطلاع بدهند. گفتیم: «شما از غذای ما قی‌ها خوشتان نیامده است؟» گفتند: «نه!» دیدم این‌ها کمی گرفته هستند، اصلا باورم نمی‌شد، همیشه می‌گفت دعا کنید من شهید بشوم، ولی من باورم نمی‌شد که بعد از ۱۰ روز، خبر شهادتش را بیاورند. خانم شهید ترابی به منزل ما آمدند و مقدمه‌چینی کردند، بعد خواهر من آمدند و گفتند که مجید آقا شهید شده‌است. من همان روز متوجه شدم که حتما مشکلی وجود دارد، حتما آقا مهدی شهید شده که به من می‌گویند مجید آقا شهید شده‌است. خواهرم بودند که آقا مجید شهید شده و فقط پدر ایشان می‌دانستند که هر دو شهید شده‌اند، وقتی وارد شدم، حاج خانم گفتند: «مجید فدای مهدی شد» اجازه نداده‌بودند ایشان متوجه شوند و من سکوت کردم، از سکوت من متوجه شدند که آقا مهدی هم شهید شده‌اند.

آماده بودید؟

شهید به من خیلی می‌گفت که دعا کن شهید بشوم و من موافقت کردم، چون واقعا زمانی بود که دلمان می‌خواست فقط خودمان در سختی و جنگ باشیم. وقتی به اهواز آمدیم، ایشان با من صحبت‌هایی داشتند و همیشه می‌گفتند که می‌گویم: «اللهم ارزقنا توفیق الشهادة فی سبیل‌الله» و به من می‌گفت این را برای من بخواه و من می‌گفتم: «بعد از ۷۰ سال می‌خواهم» ولی جوری با ما صحبت می‌کرد و از منظر اعتقادی حرف می‌زد و نیاز جنگ به فلذکاری جوانان را طرح می‌کرد که خود ما هم حاضر بودیم فدا بشویم و قبول کرده‌بودم و می‌گفتم شهید شدن ایشان دست خداست. ما با اعتقادمان ازدواج کرده‌بودیم و با اعتقادمان زندگی می‌کنیم، وگرنه دوری آن‌ها بسیار سخت است.

داشته‌باشد و ما باید جوانان را راهنمایی کنیم تا الگویی داشته‌باشند. همیشه می‌گفتند الگویشان، شهید محراب، آیت‌الله مدنی بود. در روزهای اول آشنایی‌مان به من گفتند که از ایشان چیزهای زیادی یاد



گرفت‌اند و ایشان را استاد اخلاق و راهنمای خود می‌دانستند. شهید می‌گفتند که سعی می‌کردند در زندگی، تمام الگوهایشان را از ایشان بگیرند، چون به من جوان اعتماد کرده‌بود و همین موجب شده‌بود من جذب ایشان بشوم. در جامعهٔ امروزی هر فردی باید راهنمایی داشته‌باشد و بتواند بر اساس آن راهنما، کار خود را انجام بدهد. اگر جوانان راهنما داشته‌باشند، به خوبی می‌توانند رشد کنند و به کمال برسند.

کتابی به نام «تنها زیر باران» زندگی‌نامهٔ شهید زین‌الدین است…
با من صحبت کردند و از من خواستند مطالب را به‌گونه‌ای بگویم که جوانان مشتاق ازدواج شوند و در ازدواج صبوری داشته‌باشند. من هم تا جایی‌که می‌شد صحبت کردم و نویسنده مطالب را با ادبیات خود نوشتند.

خبر شهادت ایشان را به شما چگونه دادند؟ چند روز از شهید بی‌خبر بودید؟

دختر من یک سال و ۲۰ روز داشت و من همیشه اهواز بودم، ولی این‌بار به قم آمده‌بودم، چون ایشان به غرب رفته‌بودند تا عملیات داشته‌باشند و گفته‌بودند شاید بودن ایشان در غرب چند ماهی طول بکشد. من هم به قم رفتم تا در این مدت پیش خانواده‌ام باشم. تقریبا ۱۰ تا ۱۲ روزی بود که به قم آمده‌بودم و تصمیم گرفته‌بودیم که به خانوادهٔ شهید باکری و شهید همت با هم یک ساختمان داشته‌باشیم و هرکدام

یک هفته تا ۱۰ روز تنها می‌ماندم، بلکه یک شب کار ایشان طوری باشد و بتواند به خانه بیاید. سخت بود، ولی خودمان را سرگرم کرده بودیم. وقتی وارد اهواز شدم، تازه وارد آموزش‌وپرورش شده‌بودم و آنجا در مدرسه راهنمایی هاجر تدریس می‌کردم. بعدازظهرها در زینبیه کمک می‌کردیم. دلتنگ می‌شدم و بعضی وقت‌ها از غربت گریه می‌کردیم، ولی به خاطر خدا آن سختی‌ها را تحمل می‌کردیم. به‌رحال همسران جوانی بودیم و اول زندگی بود و دلمان تنگ می‌شد، ولی همهٔ این‌ها را فقط و فقط به خاطر خدا تحمل می‌کردیم. ما با اعتقادمان ازدواج کرده‌بودیم و اعتقاد ما را نگه می‌داشت. آن گذشت و فلذکاری ما نسبت به آن‌ها در مورد آن‌ها هم نسبت به ما دیده می‌شد. مثلا در خانه آن‌قدر مجیز نبودم و اولین‌باری که فسنجان درست کردم، ایشان هم برای ناهار آمدند و با اشتیاق خوردند و بعد ما می‌گفتند خوب، حالا من این را خوردم، ولی اسم این غذا چه بود، تعجب کردم و گفتم چه‌قدر صبور و با گذشتند که اشکالات ما را این‌طور تذکر می‌دادند. من این موارد را نکتهٔ مثبت شهید می‌دانستم که بر سر هر چیزی به ما ایراد نمی‌گرفتند.

مهمترین تأکید شهید به شما چه بود؟

حرف ایشان همیشه این بود: اولین سال کار من در آموزش‌وپرورش بود و ایشان می‌گفتند خیلی دوست دارم کار کنید، ولی دلم می‌خواهد اول اطلاعات لازم را داشته‌باشید و بعد به سر کلاس بروید. آن زمان، تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت تازه شروع شده‌بود و مهم‌ترین تأکید ایشان، مطالعه بود و می‌گفت با بصیرت و آگاهی جلو بروید.

نظر شهید زین‌الدین دربارهٔ جوانان چه بود؟

فکر می‌کنم جوان‌محور بودند. توانمندی‌های جوانان را در نظر می‌گرفت، به این گروه، اعتماد و استعدادیابی می‌کرد، به آن‌ها مسئولیت می‌داد و عقیده داشت جوانان آینده را می‌سازند و ما باید به آنان اعتماد کنیم و به آن‌ها مسئولیت بدهیم.

ایشان سعی می‌کردند با دقت، نسبت به جوانان عمل کنند و می‌گفت هرکسی در زندگی خود باید به الگویی اعتقاد

خانم منیره ارمان، همسر شهید مهدی زین‌الدین، فرماندهٔ لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) و یکی از مهم‌ترین فرماندهان زمان جنگ است. او بر این باور است که با دل و اعتقاداتش ازدواج کرده و این اعتقاد به او کمک می‌کرده‌است تا شهادت همسرش را بپذیرد. او شهادت را آرزوی همسرش می‌داند و می‌گوید: «از من می‌خواست که برای شهادتش دعا کنم.» متن کامل گفت‌وگوی هفته‌نامهٔ حیات طیبه با این همسر شهید را در ادامه بخوانید:

مهمترین ویژگی‌های شهید زین‌الدین چه بود؟

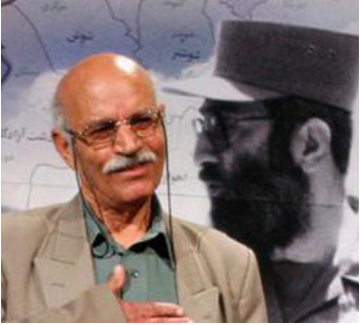
شهنا تابع محض ولی‌قیه بودند؛ چه در زندگی شخصی و چه در جنگ تحمیلی. کار را جدی می‌گرفتند و در زمان تفریح هم، شادی و شغف داشتند و این از اخلاق خوب



آن‌ها بود. احترام به پدر و مادر داشتند و این ویژگی به‌گونه‌ای بود که واقعا در ظاهر آن‌ها مشخص می‌شد. خیلی شوخ بودند و اخلاق خوبی داشتند و همیشه از جبهه برای ما سوغالی می‌آورد. این سوغالی احادیث، روایات و مطالب خوبی بود که در جبهه یاد گرفته‌بود، آن‌ها را یادداشت می‌کرد و هرآنچه به درد ما می‌خورد، می‌آورد و سعی می‌کرد این مطالب را به دیوار بزند تا همیشه در کارهایمان عملی کنیم. شهنا عاشق‌ترین افراد نسبت به خانوادهٔ خود بودند، ولی در اوج جنگ نمی‌توانستند غیر از این عمل کنند. در بخشی‌ها ما را تنها می‌گذاشتند و می‌رفتند و به جنگ می‌رسیدند.

نبود همسران برای شما سخت نبود؟
معلوم بود که سخت است؛ خصوصا که من همراه با شهید به اهواز رفته‌بودم و شاید

این روزها می‌گویند اگر با شهر مهربان باشیم و از آن محافظت کنیم، کافی است، و کافی است برای یک شهر فقط «شهروند» بود؛ اما در زمان جنگ، شهرهای تصرف‌شده از سوی دشمن به انسان‌هایی بیش از شهروندان عادی یا حتی شهروندان مسئول نیازمندند. شهروندانی که ابتدا مدافع آن می‌شوند و تا پای جان می‌جنگند و اگر شهری



از دست رفت و اشغال شد، آن را پس می‌گیرند. در تاریخ هشت سالهٔ جنگ تحمیلی، شهرهای بسیاری مدافعان بزرگی از ساکنان شهر داشتند، اما هیچ همسایه‌ای هم فراموش نکرد برای شهرهای دیگر باید استین بالا بزند. سوسنگرد، مدافعان بسیاری داشت و مردم از همهٔ شهرهای استان خوزستان به یاری آن آمدند و یکی از آن‌ها، امیر سرتیپ دوم، غلامرضا قاسمی از فرماندهان «لشکر ۹۲ زهی اهواز» بود؛ مردی که یکی از فاتحان شهر سوسنگرد شد و به گواه تاریخ، اقدام کم‌نظیر او در هنگام آزادسازی، عنوان «ناجی» را نیز شایسته او ساخت.

سرتیپ قاسمی با آغاز جنگ تحمیلی در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، یکی از پایه‌گذاران دفاع مقدس در اهواز شد. او در آزادسازی سوسنگرد، «عملیات نصر» و تصرف «پادگان حمید» و طرح‌ریزی عملیات «فتح‌المبین» نقش مهمی را ایفا کرد. پس از ختم اوضاع سوسنگرد و اشغال این شهر، در جلساتی در اهواز با حضور حضرت آیت‌الله‌خامنهای (نمایندهٔ امام‌خمینی (ره) در شورای عالی دفاع)، سرلشکر فلاحی (جانشین وقت ریاست ستاد مشترک)، سرلشکر ظهیرنژاد (فرماندهٔ

روایت یکی از فاتحان سوسنگرد؛ تحقق یک فرمان

وقت نیروی زمینی ارتش)، غرضی (استاندار

وقت خوزستان) و چند تن از مقامات، تصمیم به اجرای عملیات آزادسازی سوسنگرد گرفته و واحدهای نظامی شرکت‌کننده در آن نیز مشخص شد. همان شب، آقای اشراقی،

داماد حضرت امام‌خمینی (ره)، در مکالمهٔ تلفنی با آیت‌الله خامنای، پیام امام را ابلاغ کرد: «تا فردا سوسنگرد باید آزاد شود.» چند ساعت مانده به آغاز عملیات، به

دستور بنی‌صدر، تیپ ۲ لشکر زهی اهواز از شرکت در این عملیات منع شد. حضرت آیت‌الله خامنهای پس از اطلاع از دستور بنی‌صدر، در نامه‌ای خطاب به سرهنگ قاسمی، فرماندهٔ لشکر ۹۲ زرهی دستور دادند که طبق تصمیم قبلی، تیپ ۲ عملیاتی که منجر به آزادسازی سوسنگرد شد، به موقع وارد شود. متن نامه حضرت آیت‌الله خامنهای به سرهنگ قاسمی به این شرح بود:

ساعت ۰۱:۱۰

سرکار سرهنگ قاسمی

فرماندهٔ لشکر ۹۲ زهی اهواز

با سلام شنیدم تیمسار ظهیرنژاد به شما تلفن کرده‌اند که تیپ ۲ فردا وارد عمل نشود، مگر بنا به امر. و منظورشان امر آقای رئیس‌جمهور است. من این عدول از تصمیم تعطیل را قابل توجیه نمی‌دانم. این به‌معنای عسلی یا به ناکامی کساندن عملیات فردا است. استعداد دشمن چنان است که آن دو گروهان پیاده ییاری کار درستی در برابر آن ندارند و اگر تیپ وارد عمل نشود، در حقیقت تک انجام نگرفته‌است. صبح اگر برای تصمیم نهایی بخواهیم منتظر آمدن تیمسار ظهیرنژاد بمانیم، وقت خواهد گذشت. جوانان ما در صبح زود اگر ما قدری بار دشمن را سبک نکنیم، همه نابود خواهند شد و شهر اکلا سقوط خواهدکرد. خلاصه این‌که به نظر و تشخیص ما، کار باید به همان روال که عصر صحبت شد، پیش برود و تیپ آماده باشد که صبح وارد عمل شود؛ درغیراین‌صورت مسئولیت سقوط سوسنگرد با هرکسی است

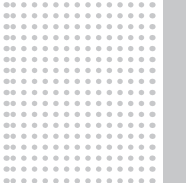
شورای‌عالی دفاع از این همه اهمال و اتلاف وقت و به هدررفتن خون جوانان شکایت دارم؛ چند روز است که فریاد می‌کنم تا بالاخره دیشب جوابی شنیده شد، امروز انتظار عمل داشتیم، متأسفانه نشد، امروز صبح در حضور سرکار و سرهنگ شهپازی، ایرادات و نظرات خود را گفتم، و شما فکر کردید و جواب دادید که فردا صبح زود انجام می‌شود و الان می‌بینم که می‌خواهند به تأخیر بینازند و این یعنی مرگ ۵۰۰ جوان و سقوط سوسنگرد و حمیدیه و اهواز، و من دراین‌صورت همهٔ شما را در مقابل خدا و خلق مسئول می‌دانم.» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العلظمی

خامنهای - ۱۳۹۳/۸/۲۸)

اعتقاد بنی‌صدر بر این بود که ارتش با نیروهای مردمی همکاری نکند، اما قاسمی از دستور بنی‌صدر، فرمانده کل قوای وقت، عدول کرد و در پاسخ به این نامه، همکاری کامل کرد و شهر سوسنگرد از محاصرهٔ دشمنان خارج شد. این فرماندهٔ شجاع نیروی زمینی ارتش در سال ۶۰ به نیروی زمینی ارتش و سپس به زاهدان منتقل شد و اول اردیبهشت



۱۳۶۱ به‌دلیل خیانت‌های بنی‌صدر با درجهٔ سرهنگی به اجبار، بازنشسته شد و روز دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ به یاران شهیدش پیوست. او در پیامی به حضرت آیت‌الله خامنهای اعلام کرده‌بود: «هن با این سن و با آن‌که بازنشسته هستم و شاید قدرت جنگیدن نداشته‌باشم، اما هنوز سر بر پیمانم با رهبر کبیر انقلاب امام‌خمینی (ره) و با شما هستم و اگر لازم باشد، در هر زمان دوباره به خدمت بازمی‌گردم و حتی جان خود را که شاید در دوران جنگ لایق نشانر نبوده‌م، بر سر پیمان خود می‌گذارم.» (بازنشر در خبرگزاری ایسنا- ۱۸ آبان ۱۳۹۳)



سردار صادق حیدرخانی، بازمانده از هم‌پیمانی برای مقابله با دشمن تا دندان مسلح است. او با حدود ۳۰۰ تن از هم‌زمانش در سوسنگرد، میثاق شهادت می‌بندند و در جنگ‌وگریز شهر، ۲۰۰ تن از آن‌ها به شهادت رسیده، ۸۰ مدافع به سختی مجروح شده و ۲۰ تن تا آخرین لحظه در «تبرد تن با تانک» و در برابر گلولهٔ مستقیم دشمن، قد علم کردند. به گفتهٔ این راوی، «علی تجلایی» ستون خیمه مقاومت روحی و رزمی رزمندگان در سوسنگرد بوده است. «سردار صادق حیدرخانی» در کارنامهٔ مجاهدتش، با انواع و اقسام بسم‌ها و مسئولیت‌ها رویه‌رو هستیم؛ با آغاز جنگ تحمیلی، پنجم مهرماه سال ۵۹ استعفانامهٔ خود را به «پوشریف»، فرمانده وقت سپاه شهادت داد و به تنهایی به اهواز رفت. در آنجا مسئول عملیات و فرماندهٔ عملیات «محور سوسنگرد» شد. در «عملیات شکست حصر سوسنگرد» فرماندهی مدافعان این شهر را برعهده داشت. تشکیل «مرکز عملیات جنگ سپاه»، حضور در دورهٔ «دافوس»، مسئولیت آموزش فرماندهان سپاه، «فرماندهی عملیات تیپ ۱۷ قم»، «فرماندهی گزار گاه فجر»، «مسئول دانشگاه دفاع مقدس»، «مسئول پژوهشگاه مطالعات استراتژیک و سازمان تحقیقات و پژوهش جنگ» و چاپ نخستین مجلهٔ علمی بسیج مستضعفین بخشی از فعالیت‌های «سردار صادق حیدرخانی» است، او دربارهٔ حضور نیروهای تبریزی در سوسنگرد به فرماندهی شهید علی تجلایی روایت می‌کند:

سردار صادق حیدرخانی، بازمانده از هم‌پیمانی برای مقابله با دشمن تا دندان مسلح است. او با حدود ۳۰۰ تن از هم‌زمانش در سوسنگرد، میثاق شهادت می‌بندند و در جنگ‌وگریز شهر، ۲۰۰ تن از آن‌ها به شهادت رسیده، ۸۰ مدافع به سختی مجروح شده و ۲۰ تن تا آخرین لحظه در «تبرد تن با تانک» و در برابر گلولهٔ مستقیم دشمن، قد علم کردند. به گفتهٔ این راوی، «علی تجلایی» ستون خیمه مقاومت روحی و رزمی رزمندگان در سوسنگرد بوده است. «سردار صادق حیدرخانی» در کارنامهٔ مجاهدتش، با انواع و اقسام بسم‌ها و مسئولیت‌ها رویه‌رو هستیم؛ با آغاز جنگ تحمیلی، پنجم مهرماه سال ۵۹ استعفانامهٔ خود را به «پوشریف»، فرمانده وقت سپاه شهادت داد و به تنهایی به اهواز رفت. در آنجا مسئول عملیات و فرماندهٔ عملیات «محور سوسنگرد» شد. در «عملیات شکست حصر سوسنگرد» فرماندهی مدافعان این شهر را برعهده داشت. تشکیل «مرکز عملیات جنگ سپاه»، حضور در دورهٔ «دافوس»، مسئولیت آموزش فرماندهان سپاه، «فرماندهی عملیات تیپ ۱۷ قم»، «فرماندهی گزار گاه فجر»، «مسئول دانشگاه دفاع مقدس»، «مسئول پژوهشگاه مطالعات استراتژیک و سازمان تحقیقات و پژوهش جنگ» و چاپ نخستین مجلهٔ علمی بسیج مستضعفین بخشی از فعالیت‌های «سردار صادق حیدرخانی» است، او دربارهٔ حضور نیروهای تبریزی در سوسنگرد به فرماندهی شهید علی تجلایی روایت می‌کند:

نیروهای تبریزی در خط مقدم دهلایویه مستقر شدند

به‌طوررسمی از نیمه‌های مهرماه سال ۱۳۵۹ فرماندهی عملیات محور سوسنگرد به من واگذار شد. در آن زمان شهید دقایقی، فرماندهٔ سپاه سوسنگرد بود. ما در خطوط دفاعی دهلایویه، هویزه، حمیدیه و کرخه نور مستقر شدیم. پیش از این حضور، یکبار شهر به تصرف دشمن درآمده‌بود و فرمانده سپاه آنجا به شهادت رسیده‌بود. با مسئولین هر محور عملیاتی روزهای چهارشنبه هر هفته در پایگاه منتظران شهادت (گلف) جلسه برگزار می‌کردیم. من به‌عنوان نماینده محور سوسنگرد حضور داشتم. سردار رشید، فرمانده عملیات محور ذوقول و سردار رحیم صوفوی هم فرماندهی محور اهواز– آبدان را عهده‌دار بودند و با مرحوم سردار حاج داوود کریمی که در آن زمان فرماندهٔ عملیات

سپاه خوزستان بودند، به ارائه گزارش از آخرین وضعیت و تحولات دشمن و منطقه می‌پرداختیم.

ما در اطراف سوسنگرد در مقابل دشمنان، عملیات‌های ایذایی انجام می‌دادیم. حدودا اوایل آبان‌ماه سال ۱۳۵۹ از اهواز با من تماس گرفتند و اطلاع دادند قرار است تعدادی از نیروهای تبریزی پیش شما بیایند، لطفاً آن‌ها را تحویل بگیرید. دو اتوبوس از بچه‌های

تبریزی آمدند. شهید دادمان که وزیر راه و ترابری هم بودند، آن زمان فرماندهی سپاه آمد و نیروها را تحویل داد. یک جوانی هم با آن‌ها بود که گفت: «ایشان آقای علی تجلایی هستند. فرماندهی این نیروها را برعهده دارند.» به یکدیگر معرفی شدیم. علی تجلایی و نیروهایش را به دلیل اهمیتی که محور خط مقدم دهلایویه داشت، در آنجا سازماندهی کردیم.

من یک روز در میان با هر روز به نیروها سرکشی می‌کردم و اطلاعات آخرین وضعیت دشمن را از علی تجلایی می‌گرفتم تا به اهواز مخابره کنم. حدودا از بیستم مهر بود که فعالیت‌های هجومی دشمن در منطقه بسیار شدید شد. شهر زیر گلولهٔ مستقیم تانک قرار گرفت و محور مواصلاتی به سوسنگرد زیر آتش سنگین دشمن قرار گرفت. وسایل تردد مردم هم در جاده مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌بود. من و تجلایی با بی‌سیم در ارتباط بودیم. مرتب وضعیت دشمن، جبهه، تعداد شهدا و مجروحین را به من گزارش می‌داد.

شهر محاصره شد

۲۲ آبان ۱۳۵۹ بود که دشمن به سمت جادهٔ مواصلاتی حمیدیه– سوسنگرد پیشروی کرد. تردد تقریبا ناممکن شده‌بود. این جاده به تصرف کامل دشمن در آمد و ما از آن روز

امام باقر علیه‌السلام:

خوبی و بدی در روز جمعه چند برابر (حساب) می‌شود.

(ثواب‌الاعمال و عقاب‌الاعمال، ص ۱۴۳)

مقاومت غرور انگیز؛

شهید علی تجلایی، ستون خیمه مقاومت سوسنگرد بود

در محاصرهٔ کامل دشمن قرار گرفتیم. برای این‌که بتوانیم روش‌های بهتری برای مقابله با دشمن ارائه دهیم، نزد تجلایی رقتم و هر دو تصمیم گرفتیم تمام نیروها را به سوسنگرد بیاوریم و در مسجدجامع شهر جمع شویم. در همان روز از آخرین فرصت استفاده کردیم، گزارش نهایی پیشروی نیروهای عراقی را به شهید حاج داوود کریمی گزارش کردم و از آن‌ها خواستم تا کاری انجام بدهند. تجلایی هم از یکی از پست‌های ژاندارمری توانسته‌بود با شهید آیت‌الله مدنی، امام‌جمعه وقت تبریز، تماس بگیرد. علی، وضعیت شهر و رزمندگان را برای ایشان، تشریح و اعلام کمک کرد.

مسجدجامع سوسنگرد به‌عنوان مقر فرماندهی تعیین شد. حدود ۳۰۰ تا ۳۲۰ نفر نیرو از از استان‌های مختلف مثل آذربایجان‌شرقی، اصفهان، فارس، خراسان و تهران در شهر حضور داشتند. اما تعداد نیروهای کارزون، مشهد و تبریز نسبت به سایر رزمندگان بیشتر بود. شهید دقایقی در آن مقطع برای انجام مأموریتی بیرون هم شهر بود و عملا من علاوه بر این‌که مسئول عملیات سپاه در سوسنگرد بودم، مسئولیت سپاه و نیروها را هم برعهده داشتم. بنابراین از تجلایی خواستم که به‌عنوان قائم‌مقام بنده، کار سازماندهی نیروها را انجام بدهد.

از جاده‌ای که شهر را به دو بخش تقسیم کرده‌بود، به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کردیم. فرماندهی قسمت شمالی برعهده من و قسمت جنوبی برعهده تجلایی قرار گرفت. همراه با علی روز ۲۳ آبان برای مدافعان شهر سخنرانی کردیم و میثاق

موقعیت دور شدیم و به نزدیکی وزرشگاه سوسنگرد رسیدیم. ناگهان گلولهٔ خمپاره‌ای در نزدیکی ما به زمین اصابت کرد و در پی آن، من و تجلایی با موتور زمین خوردیم. آبشاری از ترکش روی سرمان آوار شد. سرم زخمی شده‌بود و روی زخمش فشار استخوان پایسم را شکسته‌بود. خونریزی شدید داشتم و وضعیت علی هم بهتر از من نبود؛ با پارچه‌ای یا شاید یک چغیه پایم را بست تا خونریزی کم شود. موتور قابل استفاده بود، پشت فرمان نشست و من ترک او نشستم. متوجه شدم که ترکشی، کمر او را زخمی کرده و خون

از زیر لباسش بیرون می‌زند. لباسش را درون منگنهٔ فشردم و روی زخمش فشار دادم تا خونریزی او بند بیاید. به مسجد رسیدیم. پزشک یا امدادگر به آن معنی که تصور کنید، نداشتیم؛ برای همین با ابتدایی‌ترین وسایل به حال من و علی رسیدگی کردیم. امدادگران کمر علی را بخیه زدند. از همین روز، تجلایی فرماندهی تمام نیروها را برعهده گرفت، زیرا من دیگر قادر به انجام کاری نبودم. از نیروها خواستم تا هریک از مدافعان را که مجروح می‌شود، پیست من بیاورند تا بتوانم آخرین گزارش صحنهٔ نبرد را از آن‌ها بگیرم.



شهادت بستیم. نیروهای موجود در شهر را به گروه‌های ۹ نفره تقسیم کردیم و هرچه از خوراک و وسایل دفاعی در اختیارمان بود، بین این گروه‌ها تقسیم کردیم. مدافعان در دور شهر و محل‌هایی مورد نیاز مستقر شدند.

تجلایی با وجود مجروحیت، فرمانده شد
آتش سنگین و بی‌امان دشمن، کاری

روایتی دربارهٔ شهید چمران در سوسنگرد:

عرفان در کتاب‌ها را به میدان رزم آورد

برایمان سخنرانی کرد. تعدادی از دوستان مجدد تصمیم گرفتند که به سپاه بازگردند و تعدادی هم ماندیم. در اوایل انقلاب، به وخامت می‌رفت. همراه با شهید چمران، گروهی از ستاد جنگ‌های نامنظم به آنجا رفتیم. مدیریت بحران و حماسه‌سازی‌های شهید چمران باعث شد تا اوضاع آنجا سر و سامان بگیرد.

تقریبا هفتهٔ اول جنگ تحمیلی بود که شهید چمران به دیدار امام‌خیمینی (ره) رفتند تا از ایشان بخواهند که به خوزستان بروند. همان روز مقام‌معلم‌رهبری هم برای این مسأله نزد امام آمده‌بودند. این دیدار باعث شد تا هر دو بزرگوار به جنوب بروند و ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز ایجاد کنند. یکی دیگر از آینده‌نگری‌های شهید چمران این بود که به خرمشهر یا نقاط دیگر نرفت و به اهمیت محوری اهواز، آگاه بود و می‌دانست اگر اهواز اشغال شود، در

راشد: ارادهٔ خدا به گونه‌ای دیگر رقم خورد

از بندر لنگه تا سوسنگرد

سال ۱۳۵۲ ازدواج کردم. تبعید برخی از انقلابیون به بندر لنگه توقیفی بود که نصیب من شد و توانستم از مسائل روز هم آگاهی یابم. انقلاب به پیروزی رسیده‌بود. متوجه شدم شهید چمران به ایران بازگشته‌است. به تهران آمدم و دیگر او را تنها نگذاشتم. آن زمان، غائله کردستان پیش آمده‌بود، برای همین همراه شهید چمران به کردستان رفتیم. به‌دلیل بزرگی‌هایی که در من مشاهده کرد، یعنی قد و قواره قوی هیکل، لقبم را «بوعلی» گذاشت؛ ابوعلی نام برادر شهید همسرش بود. ۱۵ روز پیش از آن‌که جنگ تحمیلی آغاز شود، به دلیل آینده‌نگری شهید چمران با تعدادی از نیروها به جنوب آمدمیم و در دانشگاه جندی‌شاپور مستقر شدیم. با توجه به شناخت شهید

صدای زنجیر تانک دشمن را می‌شنیدم
شهادت می‌دهم علی تجلایی با آن حجم از جراحتی که داشت، از روز بیست‌وسوم تا بیست‌وششم آبان‌ماه حتی ساعتی به استراحت اختصاص نداد. او مدام به نیروها سرکشی می‌کرد و ستون خیمه مقاومت در شهر شده‌بود. تمام مسئولیت‌ها به‌عهده او بود. حوادث و حماسه‌های این سه روز آن‌قدر متراکم و با ظرافت است که روزها باید دربارهٔ دلیری او صحبت شود. رزمندگان ما در خانه‌هایی مستقر بودند که وقتی گلولهٔ تانک دشمن به آن اصابت می‌کرد، خانه روی سرشان آوار می‌شد. ۲۰۰ نفر از رزمندگان به شهادت رسیدند، ۸۰ نفر هم مجروح شدند و تنها ۲۰ نفر بودند که توانایی جنگیدن با دشمن داشتند. غیر از شجاعا، شهامت، شهادت‌طلبی، ایمان به خدا و فرماندهی شهید تجلایی، هیچ چیز دیگری نمی‌توانست موجب شود که ما در مقابل عراقی‌ها ایستادگی کنیم. آن‌ها از پیشرفته‌ترین سلاح‌ها برخوردار بودند و اسلحهٔ مدافعان شهر «برنو» و «۳» بود، حتی خمپاره‌انداز یا «رپی جی» هم نداشتیم. دشمن آن‌قد به مسجدجامع نزدیک شده‌بود که صدای زنجیر تانک‌های آن‌ها را به وضوح می‌شنیدیم. علی تجلایی فرماندهٔ شهری بود که در تمام کوچه‌ها و خیابان‌هایش دشمن رخنه کرده‌بود و هنگام تردد مدافعان زیر تیر مستقیم تفنگ، تانک و آرپی‌جی قرار داشتند. ایستادگی و فرماندهی او با وضعیت خود موجب شد تا توان مدافعان در برابر نیروهای پرشمار دشمن مضاعف شود.

تماس سرنوشت‌ساز تجلایی و فرمان تاریخی امام (ره)

تماس علی تجلایی با شهید مدنی موجب شد تا ایشان نزد امام‌خیمینی (ره) بروند و وضعیت مدافعان سوسنگرد را برای امام تشریح فشرده و روی زخمش فشار بیاورد. پیام تاریخی شکست حصر سوسنگرد را صادر کردند. نقش مؤثر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، شهید چمران و شهید حاج داود کریمی را هم باید یادآور شوم. آن‌ها بی‌وقفه تلاش کردند تا نیروها به کمک مدافعان بیایند و محاصرهٔ شهر شکسته شود. آیت‌الله خامنه‌ای و شهید چمران در ستاد جنگ‌های نامنظم در نامه‌ای خواستار به‌کارگیری تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی شدند و شهید داوود کریمی هم می‌گفت: «ما در اهواز حتی نگهبانان را هم سازماندهی کردیم تا به کمک شما بیایند.»

حقیقت خوزستان سقوط خواهدکرد. شهید چمران انسان تحصیل کرده و با تجربه‌ای بود و به خوبی با توجه به سابقه‌ای که در خارج از کشور مثل آمریکا، مصر و لبنان داشت، تا ماهیت جریان‌های آشوبزبا و مهاجم در ایران باخبر بود. همواره خودش را به خطر می‌انداخت تا آسیبی به انقلاب اسلامی نرسد. در ماه‌های نخست جنگ تحمیلی برای این‌که پیشروی دشمن به خاک ایران با تأخیر انجام شود، در ستاد جنگ‌های نامنظم، عملیات‌های ایذایی طراحی و اجرا می‌شد. یکی از محورهای هجوم دشمن، بستان سوسنگرد بود. عراقی‌ها توانسته‌بودند در نخستین حمله از بستان، عبور کنند و به سوسنگرد برسند که بعد از دو روز رزم به عقب رفتند، اما در حملهٔ دوم خود، نقشهٔ عراقی‌ها تغییر کرد. فرماندهان عراقی تصمیم گرفتند که از محور سوسنگرد و ذوقول به سمت اهواز حرکت کنند. مقاومت بی‌مانند مدافعان داخل شهر، پیگیری شهید

چمران را از زمین بلند کردم و گفتم چرا کاری نمی‌کنید؟ چرا اسلحه، تانک و نیرو نمی‌دهید؟ اکنون شرمنده هستم چرا در آن وضعیت، این چنین برافروخته شدم.



شهید چمران با طبع بلندی که داشت با یک لیخند گفت: «چیزی در اختیار نداریم.» همان شب وضعیت به ارادهٔ خدا به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد و توانستیم فردای آن روز، سوسنگرد را از محاصره خارج کنیم.

حیات طویه

جمعه / ۲۳ آبان ۹۹ / شماره ۴۴۴

نبرد تن با تانک در

«عبادتگاه سیارهٔ ناهید»



سوسنگرد در ۵۵ کیلومتری شمال غربی اهواز قرار گرفته‌است. هویزه در جنوب غربی و بُستان در شمال غربی آن قرار دارند و رودخانهٔ کرخه از آنجا می‌گذرد. «خفاجیه» به معنای «عبادتگاه سیارهٔ ناهید» از نام‌های ابتدایی این شهر بود و بعدها در زمان حکومت پهلوی به سوسنگرد تغییر نام داد. سوسنگرد در دورهٔ ساسانی یکی از هشت شهر مهم خوزستان به‌شمار می‌آمد و کارگاه‌های بزرگ ابریشم‌بافی، پارچه‌بافی و فرش‌بافی در آن دایر بود. یافته‌های ابریشم‌های سوسنگرد، شهرتی جهانی داشت تا جایی‌که گزارش‌های تاریخی نقل کرده‌اند که فرش‌های ابریشمین سوسنگرد در دربار قسطنطنیه، علاقه‌مندان فراوانی داشت.

طاوف بسیاری در سوسنگرد ساکن هستند و می‌توان به طایفه‌های مختلفی اشاره کرد: بنی‌طرف (طایفه‌ای بزرگ و شامل بیت سیاح، البوبلان (جلالی)، بیت محمد الصالح، بنی ساله، دحیم، حمودی، بیت داغر، الحریزات، نیس (مدحج)، مرض، البوعبیده، الحیادر، سواری، سادات، زبیدات، ابوچله، سواعد، البایوه، بیت حردان، بیت مهلوی، شرفی و نگرای و عبیات والبوحزر و مزرعه و طایفه بزرگ بنی‌اسند (اسدی و سداوی و بیت جویدر).

سوسنگرد در طول تاریخ، بارها شاهد تجاوز و تصرف توسط اشغالگران بوده‌است؛ به‌گونه‌ای‌که در روزهای چهاردهم تا شانزدهم ماه می سال ۱۹۱۵ (۲۴ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۲۹۴) انگلیسی‌ها به شهر حمله کردند و شمار زیادی از سکنهٔ آن را -که بیشتر از قبیله بنی‌طرف بودند- کشتند، ساختمان‌ها را آتش زدند، محصولات را از بین برده و حیوانات را ضبط کردند. به نظر می‌رسد قتل عام خفاجیه، پشت مقاومت علیه انگلیسی‌ها در آن خوزستان شکست.

۶۵ سال بعد و با آغاز تهاجم ارتش عراق، باردیگر سوسنگرد اشغال شد. این شهر در روزهای آغاز جنگ تحمیلی، مردمی شیعه و عرب با جمعیت حدود ۱۵ هزار نفر داشت. مردم منطقه دشت آزادگان، سوسنگرد و ۱۹۳ روستای این ناحیه به دامداری و کشاورزی مشغول بودند. عراق سه بار برای تصرف سوسنگرد که در جبههٔ میانی جنگ قرار داشت، تلاش کرد و با مقاومت شدید مردم مواجه شد، ولی در حملهٔ سوم، شهر در محاصرهٔ ارتش عراق قرار گرفت. مأموریت حمله به سوسنگرد بر عهدهٔ لشکر ۹ زرهی عراق بود. این لشکر از مرز گذشت و از تنگهٔ چزابه عبور کرد و بدون مواجهه با مقاومتی جدی به سمت شهر بستان در ۱۷ کیلومتری مرز پیش آمد و پس از رسیدن به اطراف بستان، پیشروی خود به سمت سوسنگرد را آغاز کرد.

«تالی‌الدوری» فرماندهٔ لشکر ۹ عراق در پیشروی‌های خود ۵۸ نفر از مردم عرب دشت آزادگان را به‌دلیل همکاری نکردن و نافرمانی اعدام کرد. فرماندهان عراقی ادارهٔ شهر اشغال‌شده را به گروه «جبهه‌التحریر» سپردند

و پیشروی عراقی‌ها به سوی اهواز ادامه یافت تا این‌که پاسداران اهواز در جریان نخستین اشغال در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۹ شب هنگام با شبیخون به عراقی‌ها، قوای ارتش عراق را مجبور به عقب‌نشینی کردند. این حمله با همکاری هواینوزر و دیگر نیروهای ارتش انجام شد. روز دهم مهرماه ۱۳۵۹ رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی «علی غیوراصلی» شهر را آزاد کردند و جبهه‌التحریر را بیرون راندند.

دومین حملهٔ عراق از تاریخ ۱۷ تا ۲۱ مهرماه ۵۹ انجام شد. دستاورد این حمله برای عراقی‌ها اشغال بستان بود، اما تلاش رزمندگان در سوسنگرد باعث شد



تا عراقی‌ها در آنجا متوقف شوند. نیروهای دشمن در تکمیل پیشروی گسترده و متمرکز خود، روز ۲۴ آبان‌ماه ۵۹ سوسنگرد را از سه طرف محاصره کرده و وارد آن شد، اما مدافعان شهر با مقاومت خود، سقوط شهر را به تأخیر انداختند تا این‌که دو روز بعد، رزمندگان ارتش، سپاه و ستاد جنگ‌های نامنظم (گروه شهید چمران) به کمک محاصره‌شدگان آمدند و بار دیگر شهر را آزاد کردند.

برای سومین مرتبه، واحدهایی از دشمن روز ۱۸ دی‌ماه ۵۹ از سمت جادهٔ هویزه به مواضع رزمندگان در سوسنگرد حمله کردند. این‌بار هم با پرتاب سه موشک چمران در دهلایویه و منطقهٔ جنگلی «مدیس» تپه‌های شنی و جنگلی حد فاصل مزارع کشاورزی شمال رودخانهٔ کرخه از نقاط گردشگری این شهر هستند. تا مدت‌ها یک دستگاه تانک مدل تی ۷۲ که نشان از «جنگِ تن با تانک» مدافعان سوسنگرد بود، در بازار این شهر قرار داشت و به ثبت ملی هم رسیده‌بود. این نماد در اوایل سال ۹۰ به درخواست کسبه، مردم، شورای شهر و شهرداری سوسنگرد به نقطه‌ای دیگر منتقل شد.

دستاورد سفر رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران به استان‌های زنجان و قزوین؛ امضای تفاهم‌نامه تأمین زمین ۲۷۵۰ واحد مسکونی و ۲۳۰۰ شغل برای ایثارگران



معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در ادامهٔ سفرهای استانی به دو استان قزوین و زنجان، سفر و در هر استان برای تأمین زمین واحد مسکونی و ایجاد شغل برای ایثارگران به طور مجزا تفاهم‌نامه امضا کرد. نخست مهندس سعید اوحدی، صبح روز سه‌شنبه ۲۰ آبان در ابتدای حضور خود در استان زنجان در گلزار مطهر شهدای شهر زنجان حضور یافت و نسبت به مقام ولای شهید، ادای احترام کرد.

وی در ادامه در گفت‌وگو با رسانه‌ها تصریح کرد: خوشبختانه تاکنون با همکاری‌های صورت‌گرفته از سوی استانداران محترم در استان‌های مختلف، تفاهم‌نامه‌هایی با موضوع رفع دو مشکل اساسی خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران یعنی مسأله مسکن و اشتغال امضا شده‌است.

معاون رئیس‌جمهور ادامه داد: امروز نیز در ادامه این روند با همراهی خوب استاندار محترم زنجان، اداره کل راه و شهرسازی این استان و سایر دستگاه‌ها و مجموعه‌های ذی‌ربط، تفاهم‌نامه تأمین زمین برای ۱۲۵۰ واحد مسکونی و ۱۲۰۰ شغل برای ایثارگران برای جامعه معزز ایثارگری زنجان به امضا می‌رسد. همچنین تفاهم‌نامه‌ای به منظور ساماندهی گلزارهای مطهر شهدای استان زنجان امضا خواهد شد.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشاره به وضعیت اجرایی تفاهم‌نامه‌های تأمین مسکن ایثارگران، گفت: امیدواریم شرایط به‌گونه‌ای پیش برود تا در ایام ۲۲ بهمن‌ماه با حضور رئیس‌جمهوری محترم، شاهد آغاز عملیات اجرایی این تفاهم‌نامه‌ها در ۲۲ استان باشیم.

معاون رئیس‌جمهور همچنین به همراه آیت‌الله علی خاتمی، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام‌جمعه زنجان و فتح‌الله حقیقی، استاندار زنجان با حضور در منازل مادر گرانقدر شهید «رحیم جوادی»، ازاده سرافراز «مصطفی بهرامیون» و جانباز معزز ۷۰ درصد «لثافت‌علی بوشاسب» از نزدیک با آنان دیدار و گفت‌وگو کرد و سپس در مراسمی، تفاهم‌نامه‌های تأمین زمین برای



۱۲۵۰ واحد مسکونی ایثارگران، ۱۲۰۰ شغل برای ایثارگران و ساماندهی گلزارهای مطهر شهدا به امضای رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و استاندار زنجان رسید. در ادامه، مهندس سعید اوحدی، بعدازظهر روز سه‌شنبه ۲۰ آبان وارد استان قزوین شد و در گلزار مطهر شهدای شهر قزوین حضور یافت و نسبت به مقام ولای شهید ادای احترام کرد.

اوحدی در دیداری با آیت‌الله عبدالکریم عابدینی، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام‌جمعه قزوین نیز شرکت کرد و همچنین با حضور در منازل خانواده معظم شهیدان «حمید و علی محمدرضایی»، «جمشید کریمی» ازاده سرافراز و پدر شهید «احمد کردی» و جانباز گرانقدر ۷۰ درصد «عطاءالله حسینی» با آنان دیدار و گفت‌وگو کرد.

معاون رئیس‌جمهور در بخش پایانی سفر خود به استان قزوین با حضور در مراسم امضای تفاهم‌نامه‌های تأمین زمین برای ۱۵۰۰ واحد مسکونی و ۱۱۰۰ شغل برای ایثارگران استان قزوین و ساماندهی گلزارهای مطهر شهدای این استان که در استانداری قزوین برگزار شد، خاطرنشان کرد: امروز توفیق خدمت به عزیزترین قشر جامعه نصیب ما شده‌است، قشری که امام‌خمينی (ره) خدمت به آنان را مانند خدمت به پیامبر اسلام (ص) توصیف کرده‌اند و خداوند در حدیث قدسی فرموده‌اند وقتی انسانی به شهادت می‌رسد، خداوند جانشین آن شهید در خانواده او خواهد شد.

وی با اشاره به پرداخت معوقات ایثارگران گفت: پرداخت این مطالبات به‌حق جامعهٔ معظم ایثارگری، آرامشی نسبی را ایجاد کرد و توانستیم به مسائلی چون مسکن و اشتغال خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران بپردازیم.

در این جلسه، هدایت‌الله جمالی‌پور، استاندار قزوین، نمایندگان استان قزوین در مجلس شورای اسلامی نیز به ذکر نکات و مسائلی درخصوص مشکلات و مسائل خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران استان پرداختند.

در پایان این مراسم، تفاهم‌نامه‌های تأمین زمین برای ۱۵۰۰ واحد مسکونی و ۱۱۰۰ شغل برای ایثارگران استان قزوین و ساماندهی گلزارهای مطهر شهدای این استان به امضای رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و استاندار قزوین رسید.

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران

مدیر مسئول: رضا حاجی آبادی / اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی سامانه دریافت پیامک: ۲۰۰۰۱۲۷۹ رایانامه: info@isaar.ir آدرس: خیابان آیت ا... طالقانی، خیابان ملک الشعراء بهار، پلاک ۵، طبقه اول چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه کوثر

امام علی (علیه‌السلام):

در راه خدا با دست‌های خود جهاد کنید، اگر نتوانستید با زبان‌های خود و اگر

باز هم نتوانستید با قلب خود جهاد کنید.

(دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۳)

نیروهای مسلح و ارتش از خدمات به خانواده‌های شهدا تقدیر کردند

پیام تقدیر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
«هن لم یشکر من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل»
جناب آقای مهندس سعید اوحدی
معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران
با اهداء سلام و تحیت؛

توفیق خدمت به نیکوترین و شایسته‌ترین خلق خداوند و نظام اسلامی، فرصت گرانبها و پرافتخاری است که علاوه بر خشنودی مردم، موجب رضایت پروردگار



متعال خواهد بود و به یقین در این راستا، کسانی موفق و سربلندند که بتوانند به خوبی از این فرصت و مسئولیت در طلب جلب رضایت خداوند در خدمت صادقانه و مؤثر به مردم نهایت استفاده را ببرند و قطعا کار برای رضای خداوند متعال، بدون اجر و پاداش نخواهد بود.

بدین‌وسیله از حسن تدبیر و همت وثیق جنابعالی در اعمال مدیریت و اجرای بهینه‌امور در جهت رفع و حل مسائل و مشکلات خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران که یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های خدمت‌گزاری به انسان‌های وارسته و الهی می‌باشند، صمیمانه تقدیر و تشکر نموده و از درگاه پروردگار لم‌یزل، توفیقات روزافزون جنابعالی را در تحققبخشیدن به منویات حکیمانه و مدبرانه فرمانده معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله‌الظلمی‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ظل توجهات حضرت ولی‌عصر (عج) خواستارم. سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

گفتنی است، سردار سرتیپ دوم پاسدار ابوالقاسم شریفی روز دوشنبه ۱۹ آبان‌ماه به نمایندگی از رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با حضور در شورای معاونین بنیاد شهید و امور ایثارگران لوح تقدیر سرلشکر پاسدار محمد باقری را به مهندس سعید اوحدی تقدیم کرد.

ارائه خدمات درمانی ایثارگران الکترونیکی شد

چون ضایعات جانبازی، سوابق خدمات دریافتی و... به‌صورت هوشمند»، «بارگذاری مدارک به‌صورت



الکترونیکی توسط متقاضی»، «صدور کد پیگیری و قابلیت پیگیری مراحل درخواست از طریق سامانه» و «اطلاع رسانی مراحل اقدامات از طریق پیامک و کارپوشه ملی ایرانیان به متقاضی» را از ویژگی‌های این سامانه اعلام کرد.

زمان درخواست نقل و انتقال دانشجویان شاهد و ایثارگر اعلام شد

پزشکی، نیمسال اول ۱۴۰۰-۹۹ دانشجویان شاهد و ایثارگر جدیدالورود از ۲۶ آبان‌ماه الی ۱ آذرماه سال جاری خواهد بود.

در ادامه این اطلاعیه تصریح شده‌است: ثبت درخواست متقاضیان پذیرفته‌شده در نیمسال اول سال تحصیلی جاری پس از ثبت‌نام در دانشگاه محل قبولی و دریافت شماره دانشجویی و از طریق مراجعه به سایت behdasht.gov.ir/shahedtransmission امکان‌پذیر خواهد بود.

در پایان این اطلاعیه آمده‌است: انتقال دانشجوی صرفاً از طریق سامانه مربوطه صورت می‌گیرد و فقط مدارک و تقاضاهای ارسال‌شده از طریق سامانه، مورد بررسی و ملاک عمل خواهدبود و به درخواست‌هایی که خارج از سامانه و یا پس از پایان مهلت زمانی اعلام‌شده اقدام شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.



پیام تقدیر فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب آقای مهندس سعید اوحدی
معاون محترم رییس‌جمهور و رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران
سلام علیکم
با صلوات بر محمد (ص) و آل محمد
خدمت به مردم ولایت مدار و خانواده معزز شهدا و ایثارگران لوح افتخار زرین و پشتوانه معنوی گران قیمتی است که خدمتگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به آن مفتخر بوده و باعث سربلندی در پیشگاه خداوند متعال می‌گردد.

بدین وسیله از تلاش‌های ارزشمند شما و همکاران گرامی در راستای توجه و خدمت‌رسانی به خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال جيش تولید صمیمانه تقدیر و تشکر می‌گردد و توفیق روز افزون شما را از خداوند متعال تحت توجهات حضرت ولی عصر (عج) و زعامت مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مسیر تعالی و پیشرفت سربازان وطن از خداوند سبحان مسئلت می‌نمایم.

سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی
فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات بنیاد شهید و امور ایثارگران از الکترونیکی شدن سه خدمت پرکاربرد در حوزه درمان ایثارگران خیر داد و گفت: باتوجه به اینکه خدمات دیگر در حوزه درمان ماهیتاً قابلیت برخط شدن ندارند، لذا الکترونیکی سازی در این حوزه به شکل کامل محقق شده است.

علیرضا امینی ضمن اعلام این خیر و تشکر از معاونت بهداشت و درمان و اداره کل درمان و توانبخشی بنیاد شهید و امور ایثارگران در راستای تولید سامانه الکترونیک، گفت: فرایند ثبت تمام خدمات درمان شامل خدمات هفت‌گانه درخواست‌محور شده است و امکان ثبت درخواست برای سه خدمت ارتز و پروتز، خدمات لوازم مصرفی و خدمات تجهیزات پزشکی و توانبخشی فراهم شد.

امینی اضافه کرد: باتوجه به اینکه ۴ خدمت دیگر در حوزه درمان ماهیتاً قابلیت برخط شدن ندارند، لذا الکترونیکی سازی در این حوزه به شکل کامل محقق شده است. مدیرکل آمار و فناوری اطلاعات بنیاد شهید و امور ایثارگران «بررسی مشمولیت فرد بر اساس پارامترهایی

زمان درخواست نقل و انتقال دانشجویان شاهد و ایثارگر اعلام شد

اداره‌کل آموزش بنیاد شهید و امور ایثارگران در اطلاعیه‌ای به نقل از اداره‌کل شاهد و ایثارگران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی زمان ثبت درخواست متقاضیان نقل‌وانتقال رشته‌های تحصیلی گروه علوم



پزشکی نیمسال اول ۱۴۰۰-۹۹ را برای دانشجویان شاهد و ایثارگر جدیدالورود از ۲۶ آبان‌ماه الی اول آذرماه اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده‌است: زمان ثبت درخواست متقاضیان نقل‌وانتقال رشته‌های تحصیلی گروه علوم



قابل توجه خوانندگان محترم:

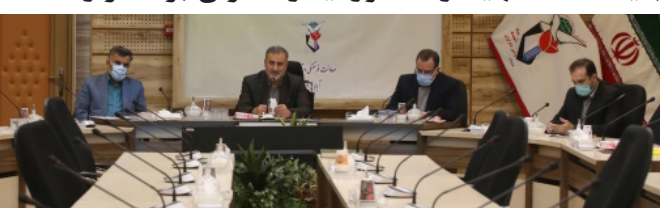
هفته‌نامه حیات طیبه فقط روزهای جمعه منتشر می‌شود.

ضمناً کلیه شماره‌های نشریه را می‌توانید از پایگاه خبری

حیات به آدرس www.hayat.ir دریافت نمایید.

نشریه آماده دریافت اخبار، انتقادات و پیشنهادهای شما می‌باشد.

سومین وبینار معاونت فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران برگزار شد



سومین وبینار معاونت فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران، با حضور معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد، مدیران کل و معاونان فرهنگی استان‌ها، صبح روز چهارشنبه ۲۱ آبان‌ماه در سالن اجتماعات شهید رسول‌زاده به‌صورت ویدئو کنفرانسی برگزار شد. سردار یعقوب سلیمانی در این نشست ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای «عملیات محرم» در ۲۵ آبان‌ماه، عملکرد بخش فرهنگی بنیاد استان‌ها در هفته دفاع مقدس و برنامه‌های قبل و بعد آن را قابل قبول خواند و اظهار کرد: در چهلمین سال دفاع مقدس با هماهنگی، هم‌فرازی و تلاش استان‌ها و نیز با مدیریت، نظارت و راهبری ستاد فرهنگی در مرکز، خوشبختانه خروجی و کارنامه قابل قبولی در هفته دفاع مقدس داشتیم. با توجه به این باور که شهدا حاضر و ناظر بر اعمال ما هستند، ان‌شاءالله مورد توجه و قبول شهدای گرانقدر هم بوده است. سردار سلیمانی در ادامه موضوع همدلی، هماهنگی و هم‌فرازی را از راهبردهای مهم معاونت فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران خواند و اضافه کرد: یکی از مطالبی که همواره در وصیت‌نامه شهدا توصیه و تأکید شده است، موضوع وحدت و همدلی است. در واقع نقطه ثقلی که می‌تواند در تعالی و توجه به ارزش‌ها مفید باشد، همین وحدت و همدلی است. وی ضمن پیشنهاد خوانش وصیت‌نامه شهدا در برنامه‌های مختلف بنیادهای استان‌ها به تناسب تاریخ شهادت آن‌ها، اضافه کرد: نکات و مفاد مهم موجود در وصیت‌نامه شهدا می‌تواند راهبرد و محور برنامه برای ما باشد. لذا لازم است ساماندهی صورت بگیرد که حداقل هر هفته، به تناسب تاریخ شهادت شهدای گرانقدر، وصیت‌نامه شهید در روز شهادت او قرائت شود.

معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد در بخش دیگر صحبت‌های خود ضمن اشاره به بیانیته گام دوم انقلاب، عنوان کرد: با همت و تلاش همکاران فرهنگی و سیاست‌گذاری‌هایی که اتفاق افتاده، برنامه‌هایی در حال تدوین است که به محورهای اصلی بیانیته گام دوم انقلاب، نظیر بحث سبک زندگی، امیدآفرینی، توجه به نسل جوان در میدان‌اری و... اهتمام و توجه ویژه شده است. سردار سلیمانی بیانیته گام دوم انقلاب اسلامی را تجمیع نگاه شهدا در وصیت‌نامه‌های ایشان خواند و افزود: ۴۰ سال ایثار، مقاومت و ازخودگذشتگی در بیانیته گام دوم انقلاب تجمیع شده است. امید، نگاه و حرکتی دوباره توأم با نوآوری هم نکاتی است که باید در گام دوم به آن توجه کنیم. در این وبینار همچنین اسکندر یازنسب، مدیرکل امور فرهنگی و تبلیغات بنیاد، رحیم نریمانی مدیرکل اسناد و انتشارات بنیاد، سید مرتضی حسینی، مدیرکل امور هنری بنیاد، سید مستجد حسینی مدیرکل امور ورزشی و اردویی بنیاد، محمدعلی فقیه مدیرکل آموزش بنیاد و خانم طاهری دبیر ستاد شاهد بنیاد شهید و امور ایثارگران گزارشی از عملکرد اداره‌کل‌های مختلف معاونت فرهنگی و آموزشی را ارائه کردند. همچنین معاونان فرهنگی بنیاد استان‌های اصفهان، تهران بزرگ، خراسان رضوی، فارس، آذربایجان شرقی، خراسان جنوبی و قزوین به صورت ویدئوکنفرانسی به بیان عملکرد و نقطه نظرات خود پرداختند.

مراسم معارفهٔ اعضای هیأت‌مدیره مؤسسه اندوخته شاهد و شرکت شاهد برگزار شد



مراسم معارفه اعضای جدید هیأت‌مدیره مؤسسه اندوخته شاهد و هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت شاهد، روز شنبه ۱۷ آبان به‌صورت جداگانه با حضور اعضای هیأت نظارت منتخب رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در محل این دو مجموعه برگزار شد.

محمود باقری مزیدآبادی، عضو هیأت نظارت و مشاور مالی رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در مراسم تکریم و معارفه اعضای هیأت‌مدیره مؤسسه اندوخته شاهد با تقدیر از زحمات صورت‌گرفته در دوره‌های قبلی هیأت مدیره این مؤسسه تأکید کرد: یکی از اصولی که باید همواره در فعالیت‌های اقتصادی به شکلی جدی مدنظر قرار گیرد، موضوع انضباط مالی و شفافیت در عملکرد است. وی ادامه داد: از آن‌جایی‌که دارایی‌های مجموعه‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران متعلق به خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران است، حفظ و حراست و ایجاد ارزش‌آفرینی مجموعه دارایی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است.

علی زینبی، عضو هیأت نظارت منتخب رئیس بنیاد و رئیس مرکز حراست بنیاد شهید و امور ایثارگران با دسته‌بندی موارد تأثیرگذار به طرح نکاتی در زمینه فعالیت در حوزه‌های اقتصادی بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت و بر لزوم شفافیت در فعالیت‌های اقتصادی تأکید کرد.

زینبی با تأکید بر اهمیت استفاده از ابزارهای نظارتی دقیق برای جلوگیری از بروز مشکلات گفت: مدیران و مسئولان باید با اعمال دقت در بررسی حوزه‌های کاری زیرمجموعهٔ خود و کار تیمی منسجم، زمینه موفقیت هرچه بیشتر مجموعهٔ موسسهٔ اندوخته شاهد را فراهم کنند.

فریده اولادقیباد، مشاور امور زنان و خانواده شاهد و ایثارگر بنیاد شهید و امور ایثارگران و عضو هیأت‌انمائی مؤسسه اندوختهٔ شاهد نیز موضوع اعمال کنترل و نظارت و ایجاد شفافیت در فعالیت‌ها را مورد تأکید قرار داد و گفت: باید از ساز و کار حارسرسان داخلی به نحو احسن در مجموعه استفاده کرد. سید امیرھوشنگ سعیدی، رئیس جدید هیأت‌مدیرهٔ مؤسسهٔ اندوختهٔ شاهد نیز توضیحاتی درخصوص برنامه‌های آتی مؤسسه ارائه داد.

در پایان این مراسم، سید امیر هوشنگ سعیدی به‌عنوان عضو و رئیس هیأت‌مدیره و علی اسفندیاری، حسین عامریان، مسعود اسفندیار و حسن روحانی‌فرد به‌عنوان اعضای هیأت‌مدیره مؤسسه اندوختهٔ شاهد معرفی شدند. گفتنی است محمدمهدی مفتیح، فرییده اولادقیباد، سید محمدرضا آیت‌اللهی، سید امیرھوشنگ سعیدی، محمدرضا اسکندری، اسلام کریمی و علی اسفندیاری اعضای هیأت‌انمائی مؤسسهٔ اندوختهٔ شاهد را تشکیل می‌دهند. همچنین در مراسم تکریم و معارفه مدیرعامل و اعضای هیأت‌مدیرهٔ شرکت شاهد که در محل دفتر این شرکت برگزار شد، ارسلان فتحی‌پور مدیرعامل جدید شرکت شاهد با ارائه دست‌نورالعمل ۱۵ بندی، اهداف و برنامه‌های خود برای ارتقا و رشد شرکت شاهد با تکیه بر صداقت و شفافیت در کنار دانش‌محوری ارائه کرد.

محمد بیک‌محمدلو، مدیرعامل سابق شرکت شاهد نیز در این مراسم گزارشی از عملکرد این شرکت ارائه داد.

در پایان این مراسم ضمن تقدیر از اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل سابق شرکت شاهد، اسلام کریمی به‌عنوان عضو و رئیس هیأت‌مدیره شرکت شاهد، ارسلان فتحی‌پور به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت شاهد، محمدعلی ارمی به‌عنوان نایب‌رئیس هیأت‌مدیره و محمدرضا صابری و امیر احمدی به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره شرکت شاهد معرفی شدند. گفتنی است، تغییر هیأت‌امنا و هیأت‌مدیره مؤسسهٔ اندوختهٔ شاهد و شرکت شاهد از مطالبات خانوادهٔ معظم شهدا و ایثارگران طی سال گذشته بوده که با دستور معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران محقق شده‌است.